نباید از نسبت جدیدی که پیش آمده و زن با تعریف جدیدی در تاریخ ظهور کرده غفلت کنیم

شماره پرسش: ۵۶۸۲

تاریخ ارسال پرسش: ۰۵:۰۰:۰۰ ۱۳۹۲/۶/۱۵

متن پرسش

با احترام خدمت استاد بزرگوار، بحث زن دوم رو خاتمه می دم و هرچند برای تک تک مواردی که جناب سوال ۵۶۰۶ عرض کردند پاسخ دارم اما اینجا به احترام نظر شما، ادامه نمی دم فقط یک مسئله ای که از ابتدا تا انتهای حرف بنده در جواب آن آقا و دیگر حضراتی که زن دوم به بعد را حلال می دانند و رویکرد کلی حرف بنده بوده را مجددا عرض می کنم که حرف نهایی بنده هست و چون آخرین پاسخ است لطفا رو سایت بذارین. انشالا که جواب شبهات روشن بشه. روایاتی که در سؤال ۵۶۵۶ عرض کردند حصر را نمی رساند که مخالفت با زن دوم فقط و فقط از روی حسادت باشد. بنده هم نگفتم حسادت هیچ زنی نمی تواند باعث این امر شود. گفتم "فقط" حسادت نیست . اما این در اصل بحث بنده اثری ندارد. رویکرد کلی من این است که : بعد از این که ما و شما پذیرفتیم که مراجع محترم قطعا با توجه به آیات و روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام و کتاب و سنت و دیگر منابع استخراج احکام ، احکام شرعیه را استخراج کرده اند ، حال منظور خود را با چند جمله، از بحث نگاه زمان شناسانه به آیات و روایات و دیگر منابع روشن می کنم. با تعمّق در مطلبی که استاد طاهرزاده در پاسخ به شبهه ی چندزن داشتن پیامبر مطرح کردند مسائلی معلوم می شود ، از آن جمله جایگاه ازدواج برای بشر زمان پیامبر دارای جایگاه متفاوتی از زمانه ی امروز بوده. قبل از تبیین این مسئله ، از یکی از مثال هایی که استادطاهرزاده مطرح کرده اند در این جا استفاده کنم که شما فکر نکنید بنده منکر منابع استخراج احکام شرعی هستم و باز برای بنده آیه و روایت بیاورید. متأسفانه گاها از جایگاه تاریخی آیات و روایات غفلت شده است. مثالی از استاد محترم بیاورم که برای بار اول که حرف را می شنوید اگر شما ندانید این را استاد طاهرزاده فرموده اند احتمالا این سخن را به لیدرهای مدافع حقوق زنان ! نسبت می دهید. البته من یک کلیتی در ذهن دارم اگر مطلب را خراب می کنم لطفا خود استاد شرح بفرمایند. از دوستی شنیدم که از قول استاد فرمودن چون ماها که به اسلام اعتقاد داریم روی حقوق زن به خوبی کار نکردیم ، فمنیسم ها خیلی مدعی شده اند وگرنه برخی حرف هایی که می زنند خیلی هم بد و بیراه نیست. مثلا زن و شوهری که در یک منزل هستند ، خب وقتی مرد بیرون از خانه کار می کند ، زن هم داخل خانه کار می کند . پس اموالی که با کار کردن شوهر عاید می شود باید بین زن و مرد تقسیم شود نه این که همه اش به نام مرد باشد. حال اگر مرد فوت شود، یک هشتم این اموال به زن به ارث می رسد و باقی بین سایرین تقسیم می شود. و زن بعد از یک عمر زندگی با مرد ، درست زمانی که همسرش را از دست می دهد باید آواره شود. چون از این به بعد خانه ای که درش نشسته است شرعا و قانونا متعلق به دیگران است ، حتی وسایلی که دارد و ... .

این مسئله از نظر مراجعی که نگاه زمان شناسانه به منابع دینی ندارند هیچ اشکالی ندارد و خلاف شرع هم نیست. این مسئله از نگاه شما، عین حکم خداست که از منابع دینی اعم از آیات و روایات و ... استخراج شده است!!!. درحالی که در وهله ی اول باید اموال مرد در زمان حیاتش بین زن و مرد نصف شود و بعد هم مسئله ی ارث که به صورت زمان شناسانه حکم دیگری پیدا می کند. اما بد نیست آن چه که از نظر استاد هم در این رابطه صحیح می باشد را خودتان بروید و بخوانید. مسائل این چنینی کم نیستند که به دلیل اختصار کلام از ذکر دیگر مثال ها خودداری می کنم. شوهر بنده هم با حکم زن دوم به صورتی که امروزه توسط دین دارها عملی می شود و شرعی هم هست، مخالف است، ایشان هم حسادت دارند ؟ این یک بحث علمی است فارغ از حب و بغض های شخصی و نفسی.حال به مثال اصلی باز گردیم، پدیده ی ازدواج در زمان پیامبر به عنوان یک ابزاری برای رفع خیلی از مشکلات محسوب می شده. به همان نسبتی که انسان معاصر ، با انسان زمان پیامبر و دیگر زمان ها متفاوت است، به همان نسبت هم پدیده هایی همچون ازدواج ، یا ازدواج مجدد ، جایگاه یا تعریف متفاوتی نسبت به آن زمان برای انسان امروزی دارد و "نتایجی" متفاوت. این به معنی تعطیل کردن احکام شرعیه نیست بلکه باید با نگاه زمان شناسانه ، احکام شرعیه مطابق با روح زمانه ی امروز که حتی بشر مؤمن و مسلمان را هم اسیر خود کرده است از منابع فقهی استخراج شود. پیامبر ص به راحتی ازامر ازدواج برای وحدت دو قبیله استفاده می کردند اما امروز اگر نگوییم اثر عکس دارد، به قطع می توان گفت اثری که پیامبر مدنظر داشته را هرگز نمی دهد. اجمالا می توان گفت امروزه ازدواج مجدد نه تنها مشکلی را حل نمی کند چه بسا بر مشکلات هم می افزاید. بنده موافقم که به راحتی نمی توان حکم داد و یک عمر تلاش برای استخراج حکم خداوند در زمان امروز لازم است . اما با لحاظ افقی که آیات و روایات و سنت اهل البیت دراختیار ما گذاشتند ، ببینیم چگونه در زمان امروز می توانیم به همان افق دست یابیم. در معرفت شناسی سیره ی اهل البیت، اعمال انسان کامل از یک نظر به دو دسته تقسیم می شود . یک دسته اعمالی که عینا باید تکرار شود همچون ذکر بعد از نماز حضرت زهرا س، و یک دسته اعمالی که عینا نباید تکرار شود بلکه باید هدف آن عمل طبق زمانه ی امروز لحاظ شود. همچون ازدواج مجدد. چنان که می بینیم سیره ی بزرگان حاضر بر تک همسری است. در استخراج احکام شرعیه از منابع فقه هم باید این مسئله لحاظ شود. این به معنای عرفی شدن دین نیست بلکه خواه ناخواه شرایط جدیدی بر بشر معاصر حاکم شده است که باید حکم خداوند در شرایط امروز استخراج شود، آن هم نه با نگاه منفعلانه. برای بنده سوال است چطور اسلام باید دستوری را مستحب بداند که در زمانه ی امروز ، با برهم زدن اَنس زن و مرد نه تنها شرایط دینداری بیشتر را فراهم نمی کند بلکه در اغلب موارد موجب تحقق مبغوض ترین حلال خداوند می شود چرا که برفرض تحمل زن اول، زن دوم نمی تواند با وجود زن اول زندگی کند هرچند با علم به وجود زن اول، ازدواج کرده است. مرد معاصر هم ، هرگز نمی تواند با زن دومش به انسی برسد که با زن اول می رسیده . خدا می داند بنده از نزدیک دیده ام انسان های واقعا مؤمنی که با این امر به زعم خودشان حلال و حتی با افکار دینی، به

صرف این عمل مستحب به زعم شما و برخی مراجع ! در زمانه ی امروز، زندگی خود و همسر اول و دوم و حتی تا چند نسل بعد از خود را به تباهی کشیده اند . با تشکر از استاد طاهرزاده و دیگر دوستانی که حوصله به خرج دادن . در انتها در یک جمله عرض کنم که تفاوت است بین این که : ("من" دوست دارم شخصا فرزند بیشتری از نسلم وجود داشته باشد پس ازدواج مجدد می کنم) با این که (جامعه به لحاظ تاریخی دچار معضل پیری شده است که باید فکری تاریخی برای حل این معضل کرد و آیا ازدواج مجدد راهی برای حل این معضل هست یا خیر). التماس دعا.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در هرحال از این گفت و شنودها معلوم می‌شود که موضوع دارای جوانب متعددی است و حقیقتاً باید در موضوع جایگاه زن یک بازخوانی تاریخی شود و مسلّم در دل آن بازخوانی با رویکردی جدید به احکام الهی نظر می‌شود. بنده در کتاب «زن؛ آن‌گونه که باید باشد» تلاش کرده‌ام آن نگاهی را که تصور می‌کنم باید به زن انداخته شود مدّ نظر خوانندگان قرار دهم. به همین جهت در مقدمه کتاب گفته شد این کتاب را مردان نیز بخوانند. در مقدمه‌ی آن کتاب باب موضوعی را بازکردم که در جای دیگر باید به آن پرداخت و آن این بود که نه یک کمباین پدیده‌ای است که به جای ۲۰۰ مرد آمده، بلکه پدیده‌ای است جدید با نسبت‌هایی جدید و نمی‌توان گفت اگر ۲۰۰ مرد کشاورز با ۲۰۰ داس وارد مزرعه‌ای شوند مثل آن است که یک کمباین وارد شده، و نه می‌توان گفت: زن‌های ما همان مادربزرگ‌های گذشته‌اند و متوجه نسبت جدیدی که پیش آمده و زن با تعریف جدیدی در تاریخ ظهور کرده نباشیم. موفق باشید